آیا آموزش و پرورش امکان جبران عقب ماندگی های تحصیلی را دارد؟

زخم عمیق کمبود معلم بر کیفیت آموزش

گروه اجتماعی

افت تحصیلی دانش‌آموزان ادامه دارد؛ هنوز آسیب های ناشی از تاخت وتاز کرونا و تاثیرپذیری نظام آموزشی و بیش از ۸۰ روز تعطیلی های پی‌درپی به بهانه آلودگی هوا در سال تحصیلی گذشته جبران نشده که امسال هم یک ماه نبود معلم در کلاس های درس موجب شده تا بازهم کیفیت آموزش تحت تاثیر قرار بگیرد و فرآیند یاددهی و یادگیری آن طور که باید اتفاق نیفتد.

سال قبل که کرونا پاپس کشید و مدارس بازشد، معاون وقت آموزش ابتدایی کشور اعلام کرد: «نتیجه ارزشیابی های دو سال گذشته به طور معنادار نشان می دهد دانش‌آموزان در کسب نتایج «خوب» در دروسی مانند فارسی، ریاضی و علوم در مقایسه با دوران پیش از کرونا افت تحصیلی داشته‌اند.»

به هرترتیب دانش‌آموزان سال تحصیلی گذشته پس از دو سال تحصیل مجازی وارد کلاس درس شدند، که باردیگر به‌دلیل تعطیلی مکرر مدارس براثر آلودگی هوا به‌لحاظ تحصیلی آسیب دیدند. اگرچه این تعطیلی ها زیر عنوان «آموزش غیرحضوری»، زهرش گرفته شد ولی مسئولان وزارتخانه، خود پیشقدم انتقاد از این وضع و خواستار بازگشایی مدارس شده و عنوان کردند: «تعطیلات بدون برنامه به آموزش و پرورش کشور ضربه می‌زند و باید آن را ساماندهی کرد.»

امسال هم کمبود معلم مسئله‌ساز شده و هرچند با گذشت یک ماه و ۶ روز از آغاز سال تحصیلی گفته می شود، این مشکل تا حدودی حل شده است اما حواس کمتر کسی به عقب ماندگی تحصیلی وفشرده‌ترشدن آموزش ها و در نتیجه تحت فشار قرار گرفتن معلمان و دانش‌آموزان است. با آنکه معمولا در چنین شرایطی مسئولان از جبران عقب ماندگی ها می گویند، کارشناسان نظام آموزشی، این اظهارات را مقرون به واقع ندانسته و براین باورند که وزارتخانه آموزش و پرورش هنوز توانایی و امکان جبران رکود و بحران آموزش در شرایط کرونا را نداشته و اکنون چگونه می تواند یک ماه آشفتگی و بی نظمی رخ داده در سال تحصیلی جدید را جبران کند؟

حسین احمدی ازصاحب نظران مسائل آموزش و پرورش در گفت وگو با «رسالت» عنوان می کند: «روزهای سپری شده که اضافه نمی شود. ازسوی دیگر وزارتخانه نمی تواند به معلم ها اعلام کند در ساعات اضافه، کار کنند یا درخواست کند که معلم ها کیفیت آموزش را افزایش دهند، چون وزارتخانه امکان این را ندارد که امتیازی برای معلمان قائل شود. درنتیجه عملا آموزش وپرورش امکان جبران افتی که ایجاد شده را ندارد. همانطور که افت دوران کرونا و تعطیلات غیرمترقبه سال تحصیلی گذشته را نتوانست جبران کند. این ویروس آسیب های جدی و ماندگاری برنظام های آموزشی جهان داشته و کشورهای دیگر که در حال برنامه ریزی هستند تا آسیب ها را کاهش دهند، هنوز توفیقی در این زمینه کسب نکرده‌اند.

مطابق آمارهای جهانی، دانش‌آموزان ۱۰ ساله توان خواندن ونوشتن و درک مفهوم یک پاراگراف ساده را ندارند. وضعیت کشور ما به مراتب بدتر است، چراکه جبران عقب افتادگی های تحصیلی پیچیده‌تر است و دانش‌آموزان نمی‌توانند پنج شنبه و جمعه به مدرسه بیایند، آموزش و پرورسِ هم زمینه و زیرساختی برای جبران ندارد و هنوز مبلغ اضافه تدریس یک سال و دو سال گذشته به معلمان پرداخت نشده است.»

دانش آموزان ابتدایی بیش از همه آسیب می بینند

به همین علت مدیران مدارس نگرانی عمیق خودشان را نسبت به این موضوع به ویژه برای مقطع ابتدایی اعلام کرده اند. احمدی می گوید: «همه می دانیم که پایه اول، اصل و اساس یادگیری است و اگر دانش‌آموز نتواند تسلط کامل را بر حروف الفبا پیدا و مهارت های خواندن و نوشتن را کسب کند، همه یادگیری های بعدی او تحت‌الشعاع قرار می گیرد و امکان افت تحصیلی اش خیلی پررنگ می شود. یک ماه از آغاز سال تحصیلی گذشته و برخی پایه اولی ها در مناطق کم برخوردار به دلیل نداشتن معلم، در پله اول سوادآموزی به چاله افتاده‌اند. بنابراین کمبود معلم به گروهی از دانش‌آموزان بیش از بقیه آسیب رسانده و آن دانش‌آموزان ابتدایی به‌ویژه پایه اول و دوم هستند؛ کسانی که نخستین گام های تحصیلی شان را برداشته اند و حتی احتمال تکرار پایه در میان این گروه از دانش‌آموزان وجود دارد، موضوعی که برای کودکان اصلا خوشایند نیست و بچه ها آن را عادی تلقی نمی کنند و قطعا دچار پایین آمدن اعتماد به نفس آنها در طولانی مدت می‌شود. مطابق آمارهای موجود نرخ تکرار پایه در دوره ابتدایی ۳ درصد و در پایه اول ابتدایی ۱۰ درصد است. ازسوی دیگر، اکنون که در برخی کلاس های درس معلم حضور یافته، والدین اصرار دارند عقب ماندگی تحصیلی دانش‌آموزان با روش های سنتی که برخی از آنها غلط است، جبران شود و از معلم می خواهند که به کودک، تکالیف زیادی بدهد. این مسئله جز تحمیل فشار وخسته کردن بچه ها فایده دیگری ندارد. چنانچه کلاس جبرانی هم برگزار شود؛ معلم سعی می کند به سرعت دروس عقب مانده را تدریس کند تا دانش‌آموزان به‌آزمون برسند و دراین بین دانش‌آموزانی بیش از همه لطمه می بینند که با سایر همکلاسی هایشان تفاوت های فردی دارند.»

ترکش های کمبود منابع انسانی در آموزش وپرورش همچنان ادامه دارد و هستند دانش‌آموزانی که بعد از گذشت یک ماه و ۶ روز از آغاز سال تحصیلی هرروز به کلاس های بی معلم می روند و دست از پا درازتر به خانه برمی گردند و برای بچه هایی که با شور و شوق به مدرسه می روند، این ماجرا رنگ دلسردی و نگرانی به خود گرفته است. سی ام مهرماه، سخنگوی وزارت آموزش وپرورش اعلام کرد: «۲۵ هزار معلم جدید از اول آبان به کلاس های درس می روند.» هرچند آمار صحیح و مشخصی از کمبود معلم ارائه نشده است؛ اما برآورد مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی نشان می دهد که اگر بخواهیم آموزش وپرورش را باشیوه‌ای مطلوب وبابهره‌مندی از معلمان دارای صلاحیت های حرفه‌ای اداره کنیم، با در نظرگرفتن تمامی رشته های شغلی فرهنگیان همچون مربی پرورشی، متصدی کتابخانه، معلم تربیت بدنی و متصدی آزمایشگاه، حداقل به ۳۰۰ هزار نیروی انسانی نیاز است، بنابراین ورود ۲۵ هزار معلم به کلاس های درس، نمی تواند بحران کمبود نیروی انسانی نقطه پایانی بگذارد. به‌علاوه اینکه بسیاری از این معلمان فاقد تجربه کلاس داری اند و نمی توانند آموزش با کیفیتی ارائه کنند.

بچه های کلاس سوم یکی از مدارس تهران وقتی زنگ می خورد و وارد کلاس می شوند، کسی نیست که معلمشان باشد و برایشان از درس های جدید بگوید و تکلیف های تازه بخواهد. آنها هر روز به امید آنکه معلم برایشان بیاید، به مدرسه می روند و لی دربغ؛ «از همان روز اول هیچ معلمی سر کلاس بچه های ما نیامد، گفتند ببرید شان خانه تا زمانی که معلم آوردیم، خبرتان می کنیم؛ حالا بچه ها با این همه شور و شوق رفته اند مدرسه ولی بدجور خورده توی ذوقشان. ما امیدوار بودیم که شنبه این هفته معلم برایشان بیاید که باز هم خبری نشد.» این را پدر یکی از دانش‌آموزان توضیح می دهد و با نگرانی به این فکر می کند که تکلیف مدرسه دخترش چه می شود. اما دیروز دیگر مدیر مدرسه آب پاکی را روی دست والدین همه ۴۲ دانش آموز این کلاس ریخت و به آنها گفت که اگر خودتان معلمی را سراغ دارید، معرفی کنید: «رسما دیروز مدیر مدرسه گفت اگر فارغ التحصیل بیکار و معلم بازنشسته‌ای را در بین اقوام و آشنایانتان سراغ دارید، معرفی کنید و یا خانواده ها کلاس درس را اداره کنند!»

افزایش بازنشستگی معلمان و البته بی توجهی به جبران این موضوع و فراهم کردن زیرساخت های آموزشی در طول سال های اخیر باعث تشدید کمبود معلم شده است.

در گزارش مجلس، عوامل زمینه ساز کسری نیروی انسانی اعلام شده است؛ ضعف مدیریت و عدم پیش بینی مسئله در مجموعه ستادی وزارت آموزش و پرورش، تعلل و تأخیر سازمان اداری و استخدامی در صدور ردیف های آزمون استخدامی موضوع ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان و کاستی در تعداد این مجوزها، کاهش جذب دانشجو معلمان در دانشگاه های فرهنگیان، نقص در زیرساخت های دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی و ظرفیت بسیار اندک آن ها برای تأمین نیاز آموزش و پرورش، طولانی شدن روند ارزیابی داوطلبان آزمون آموزگاری، ضعف ساختار منابع انسانی آموزش و پرورش و در نتیجه عدم برنامه ریزی به موقع برای تأمین نیروی انسانی و همچنین کاهش جذابیت حرفه معلمی و عدم پرداخت منظم حق التدریس شاغلان و بازنشسته ها توسط سازمان برنامه و بودجه کشور و کاهش شدید انگیزه آنان برای همکاری از مواردی است که این مشکل را ایجاد کرده است.

مسئولان وزارت آموزش وپرورش می گویند مشکل کمبود معلم رفع شده است، اما کارشناسان نظام آموزشی می گویند، هنوز در برخی از مدارس یک روز معاون و روز دیگر مدیر سرکلاس حاضر می‌شود و یا معلمان فاقد تخصص و غیرکارآمد به کار گیری شده اند. تدریس علاوه بر اینکه هنر است یک تخصص است و اینکه تصور شود هر فرد فاقد تخصصی می تواند این خلا را پر کند غلط است. در چنین شرایطی، کاستی های آموزش که در ماه اول سال تحصیلی اتفاق افتاده، چگونه قابل جبران است؟ پرسشی که مسئولان آموزش و پرورش پاسخ روشنی برای آن ندارند و از سوی صاحب نظران و تحلیلگران نظام آموزشی این شرایط بسیار بغرنج توصیف شده است.

البته در کلانشهرها، والدینی که به‌لحاظ اقتصادی در شرایطی بهتری قرار دارند از طریق معلمان خصوصی، عقب افتادگی آموزشی فرزندان شان را جبران می کنند. اما آنطور که مهرنوش طبیبی، معلم مقطع ابتدایی به «رسالت» می گوید: «اغلب والدینی که فرزندان دانش‌آموزشان در مدارس دولتی عادی تحصیل می کنند، از قشر کمتر برخوردارند و چنین توانی ندارند و تنها آنچه در مدرسه اتفاق می افتد، آینده فرزند را رقم می زند. مدارس دولتی در شرایط نرمال هم کیفیت پایینی دارند و هنگامی که معلم در به کلاس درس ملحق می شود، عملا فرصت جبرانی برای دانش‌آموزان باقی نمی ماند. اگر وزیر آموزش و پرورش و یا هر کسی هم اعلام کند جبرانی برگزار می شود نباید این حرف پذیرفته شود، چون جبرانی اصلا عملیاتی نیست و زمینه و شرایط برای اینکه معلم در بازه زمانی کوتاه، درسی که یک یا دو ماه عقب مانده را به دانش‌آموز تفهیم کند فراهم نیست و این امر با اصول یادگیری هم در تعارض است.»

طبیبی عنوان می کند: «علاوه بر کمبود معلم در یک ماه گذشته تعطیلات تقویمی به‌مناسبت های مختلف و آلودگی و برودت هوا عواملی هستند که یک سره مدارس را به تعطیلی می کشانند و باعث می‌شود سال تحصیلی بسیار کوتاهی داشته باشیم که لطمه‌ای جدی به بحث آموزش و مسائل درسی دانش‌آموزان می زند. معلمان هم خیلی سریع از کنار درس ها می گذرند و دانش‌آموزان نمی توانند به اهداف درسی مدنظر آموزش و پرورش برسند. موضوع مهمتر این است که در مناطق محروم، امکانات لازم برای دانش‌آموزان فراهم نمی‌شود و دانش‌آموزان به دلیل تلمبار شدن دروس و کیفیت پایین آموزش انگیزه خود را برای درس خواندن از دست می دهند. اساسا بودجه ای در کار نیست تا بتوان در راستای افزایش انگیزه و کیفیت بخشی آموزش گامی برداشت. به روایت وزیر پیشین علوم، اگر بودجه دولت برای آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۲ را که حدود ۲۰۶ هزار میلیارد تومان است بر تعداد دانش‌آموزان (بیش از ۱۵ میلیون) تقسیم کنیم، سرانه دانش‌آموزی حدود ۱۳ میلیون تومان یا ۳۰۰ دلار می‌شود، درصورتی که سرانه دانش‌آموزی میانگین دنیا بیش از ۹۰۰۰ دلار است! مهمتر از همه اینکه بالغ بر ۹۰ درصد بودجه صرف حقوق و دستمزد پرسنل می شود و چیزی برای کیفیت بخشی باقی نمی‌ماند، بودجه‌ای هم به مدارس داده نمی‌شود، در چنین شرایطی چگونه می توان برای افت تحصیلی چاره‌اندیشی کرد و کیفیت آموزش را ارتقاء داد؟»

طی دو سال آینده، ۵۰ درصد دانش آموزان از خواندن یک متن ساده عاجزند!

سال گذشته بود که علی زرافشان، معاون اسبق آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد، «بانک جهانی در سال ۲۰۲۰، مطالعه ای با عنوان فقرِیادگیری انجام داده و در این مطالعه فقط بر روی عامل شایستگی های خواندن دانش آموزان تمرکز شده و نتایج آن نشان داده است که به طور متوسط ۵۷ درصد دانش آموزان پایه چهارم در جهان (که ۱۰ سالگی، را طی می کنند) قادر به خواندن متن ساده نیستند! درواقع این بچه ها، حداقل شایستگی خواندن را کسب نمی کنند. این یعنی به تبع آن، حداقل شایستگی ریاضیات، علوم و سایر دروس را هم کسب نمی کنند و دلیل آن است که دانش آموز حتی نمی تواند متن این دروس را بخواند تا در نهایت مفهوم آنها را درک کند. در سال ۲۰۲۰، که زمان آن مربوط به اوایل شروع کرونا است، سهم ایران از این ۵۷ درصد، ۳۶ درصد بود؛ یعنی ۳۶ درصد دانش آموزان ابتدایی، کلاس چهارم را تمام می کنند در حالی که حداقل شایستگی خواندن را فرا نمی گیرند. این گزارش در سال ۲۰۲۲ تکرار شد و در گزارش سال جدید، این نسبت از ۵۷ درصد به ۷۰ درصد افزایش پیدا کرد. درحالی که در هدف گذاری این مطالعه این گونه پیش‌بینی شده بود که سال ۲۰۳۰، کشورها بتوانند این فقرِیادگیری را به نصف، کاهش دهند؛ یعنی ایران باید به رقم ۱۸ درصد در سال ۲۰۳۰ برسد که با توجه به عقب ماندگی کشورها در دوران کرونا، این مهم قطعا به تعویق می افتد. اگرچه گزارش کامل ۲۰۲۲ منتشر نشده؛ ولی گزارش اولیه که رقم ۷۰ درصد را نشان می دهد، ثابت می کند که با همان نسبت، فقرِیادگیری در ایران به ۴۴ درصد افزایش پیدا کرده است.»

کارشناسان به ما می گویند، «باتوجه به کمبود معلم و حضور دیرهنگام آموزگار در کلاس های درس، دست یابی به شایستگی های پایه امکانپذیر نیست و دانش آموزان با ضعف شدید و توانمندی اندک به پایه های بالاتر تحصیلی راه می یابند؛ یعنی ما با نسلی مواجه خواهیم شد که شایستگی هایشان به حداقل ممکن کاهش می یابد و برای جبران این مهم، آموزش و پرورش باید اقدامات جدی را در دستور کار قرار دهد.» در غیر این صورت پیش بینی معاون اسبق آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش مبنی براینکه در دو سال آینده، ۵۰ درصد دانش آموزان پس از کلاس چهارم، حتی نخواهند توانست یک متن ساده را بخوانند، محقق می شود!

به کارگیری معلمان صفر کیلومتر!

احمدرضا قاسمی، از فعالان حوزه تعلیم وتربیت در گفت و گو با «رسالت» عنوان می کند: «پیش از فراگیری کرونا وسال هایی که وضعیت ما به‌لحاظ نیروی انسانی تا به این حد بحرانی نبود، کیفیت آموزش چنگی به دل نمی زد، چه رسد به حالا که یک ماه و چند روز از سال تحصیلی گذشته و هنوز برخی کلاس های درس معلم ندارند. اگرچه در حال حاضر اغلب کمبودها پوشش داده شده اما بعضا معلمانی به کارگیری شده‌اند که آموزش های کافی ندیده‌اند و اصطلاحا صفر کیلومتر هستند، از این رو آسیب های تحصیلی دانش‌آموزان به ویژه در دوره ابتدایی قابل جبران نیست، ضمن آنکه آموزش و پرورش به لحاظ بودجه ای در مضیقه است و ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان هم محدود است. طبیعتا وقتی یک معلم تازه کار با یک ماه تاخیر در کلاس چهل نفره حضور پیدا کند، برای اینکه خودش را به امتحانات پایان فصل برساند و کتاب را تمام کند، ناچار است به آموزش سرعت بدهد و این مسئله مشکلاتی را به دنبال دارد، زیرا به غیر از مدارس خاص که دانش‌آموزان را براساس معدل گلچین می کنند، در مدارس دولتی عادی همه نوع دانش‌آموزانی از دیرآموز و بیش فعال تا مرتبی حضور دارند و باید معلمی خبره و توانمند در کلاس درس حاضر باشد تا برای برخی از معضلات، آموزش های انفرادی تدارک ببیند. که این مسئله اغلب اتفاق نمی افتد. مگر اینکه معلمان انگشت شماری ایثار کرده و از همان اندک فرصتی که دارند استفاده کنند. ضمن آنکه همچنان در برخی مدارس، مدیران و عوامل اجرایی تدریس می کنند. درصورتی که توانی برای تدریس ندارند! مدیر مدرسه، راهبر آموزشی است و باید فعالیت معلم را مورد ارزیابی قرار دهد و باتوجه به تشدید آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطری که دانش‌آموزان را تهدید می کند، حواسش به اقدامات و اعمال معلمان باشد. اگر در ساعتی که مدیر سرکلاس است، اتفاقی برای مدرسه و دانش‌آموزان رخ دهد چه کسی باید پاسخ بدهد؟ معاونین پرورشی و آموزشی نیز کارهای مهمتری دارند و باید کارنامه تربیتی دانش‌آموزان را آماده کنند. از طرفی رشته تحصیلی مدیران و معاونین مدرسه عمدتا مدیریت آموزش و یا علوم تربیتی است و اصلا تخصصی در حوزه آموزش کتاب های درسی ندارند. برخی مدیران ۱۵ تا ۲۰ سال است که صرفا مدیر هستند و تدریس نکرده‌اند. بنابراین نمی توانند آموزش اثربخشی ارائه دهند. این ها فقط می توانند کلاس را ساکت کنند. برای فعالیت در حرفه معلمی علاوه بر تخصص، یکسری صلاحیت ها نیز لازم است و بی تردید مدیر مدرسه نمی تواند معلم موفقی باشد. بنابراین اقدام آموزش وپرورش برای به کارگیری عوامل اجرایی مدرسه به عنوان معلم، نوعی رفع تکلیف است و افت آموزشی را تشدید می کند.»

این فعال حوزه تعلیم و تربیت تصریح می کند: «امسال جمعیت دانش آموزی ما ۱۶/۷ میلیون نفر است و باید تا انتهای تیرماه برنامه ریزی لازم صورت می گرفت و اوایل شهریور معلمان به مدرسه مراجعه و برنامه درسی را دریافت می کردند. در انتهای اردیبهشت یا خردادماه نیز باید کسری نیروی انسانی در هریک از رشته ها به سازمان امور اداری استخدامی و سازمان برنامه و بودجه اعلام و ستاد وزارتخانه و مدیران کل و رئوسای ادارات شبانه روز همفکری و برنامه ریزی می کردند. آموزش و پرورش همیشه با کمبود معلم روبه رو بوده است اما یک ماه نبود معلم در کلاس درس از یک بی برنامگی و بی تدبیری بزرگ حکایت دارد. باتوجه به اینکه در طول سال تحصیلی، مدارس به دلیل آلودگی هوا و شرایط جوی ناپایدار تعطیل می شوند، معلم نمی تواند با طمانینه و هدفمند تدریس کند، حتی امکان دارد کتاب تمام نشود و برخی مباحث را معلم حذف کند، درحالی که برخی دروس پیش نیاز پایه بعدی است. به عنوان مثال اگر بااین یک را تمام نکنید، دانش آموز ریاضی دو را فرا نمی گیرد. از سوی دیگر در سایر دروس از جمله فیزیک، نمی توان به یکباره ۴ فصل را در یک روز آموزش داد، چون کشش و ظرفیت وجود ندارد و تداخل دریادگیری پیش می آید. مشخص است که به دلیل برنامه ریزی نامناسب آموزش و پرورش و حضور دیرهنگام معلمان در کلاس درس، دانش آموزان در دروس تخصصی پایه دچار مشکل شده و به علت تاثیرگذاری سوابق تحصیلی در کنکور، نتایج خوبی کسب نخواهند کرد، به‌ویژه محصلان پایه دوازدهم در مناطق محروم با آسیب بیشتری مواجه می شوند. بررسی ها نشان می دهد، در آزمون سراسری، نمرات خام بسیاری از دانش‌آموزان در دروس تخصصی منفی بیست است. آنهایی که به لحاظ مالی مشکلی ندارند معلم خصوصی می گیرند اما بچه های عادی و محرومی که حتی پول برای خرید کتاب و لباس ندارند، به شدت به لحاظ تحصیلی افت می کنند.»

قاسمی خاطرنشان می کند: «اغلب دانش‌آموزان با افراق وساده انگاری به پایه های بالاتر راه می یابند اما در امتحان ریاضی تا کجی شکل سوالات تغییر می کند، نمی توانند پاسخ دهند. در سال تحصیلی گذشته، امتحانات پایه دوازدهمی ها به صورت مفهومی برگزار شد و معدل دانش‌آموزان این پایه در امتحانات نهایی دو نمره افت کرد که همه این ها نمایانگر اخلال در فرآیند یاددهی و یادگیری و افت فاحش کیفیت تحصیلی است.»

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظربه اینکه آقای افشین رضاخانی فرزند محمدحسن برابربرای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۲۵۰۰۴۰۰۴۰۸۸ مورخه ۱۴۰۱/۱۲/۲ هیات قانون تعیین تکلیف تحت پلاک ۱۲۲۵ فرعی از ۷۱ اصلی واقع در بخش سه بروجرد در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۶۰/۵ مترمربع مالکیت آن قرار گرفته است و مطابق سوابق ثبتی تحدید حدود پلاک فوق به عمل نیامده و اجرای تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون ثبت نیز امکان پذیر نمی باشد. برابر دستور تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف عملیات تحدید حدود اختصاصی پلاک فوق در روز شنبه مورخه ۱۴۰۲/۸/۲۷ در ساعت ۱۲ ظهر در محل وقوع ملک شروع و انجام خواهد شد. لذا به مالکین و مجاورین و دارندگان حقوق ارتفاقی و انتفاعی اخطار می شود در ساعت و تاریخ مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند چنانچه هریک از صاحبان املاک یا نمایندگان قانونی آنها در وقت تحدید حدود حضور نداشته باشند برابر ماده ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود با حدود اظهار شده از طرف مجاورین به عمل خواهد آمد. هرگاه مجاورین نیز در محل حضور نداشته باشند تحدید حدود از ردیف خارج خواهد شد. اعتراض نسبت به تحدید حدود طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی به مدت ۳۰ روز خواهد بود که به استناد ماده ۸۶ اصلاحی قانون ثبت معترض می بایست در مهلت مقرر در آگهی فوق ضمن تسلیم اعتراض به اداره ثبت شهرستان بروجرد دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی مشعر به طرح دعوا را از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نماید در غیر این صورت حق آنها ساقط خواهد شد.

تاریخ تحدید حدود: ۱۴۰۲/۸/۲۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۸/۶
م الف ۱۵۹۲۸۹۳

سیدمهدی موسوی
معاون مدیرکل و سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

==========

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون نسبت به ششدانگ مورد تقاضای ذیل در اجرای قانون تعیین وتکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۱۲۰۰۰۲۹۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۱ از طرف هیات قانون مزبور گردید و تا کنون عملیات تحدید حدود آن انجام نگرفته لذا در اجرای ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود راس ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۳۰ صورت می گیرد لذا از کلیه مالکین ومجاورین ونماینده قانونی آنها اخطار می شود که در موعد مقرر در محل وقوع ملک حاضر شوند تا چنانچه نسبت به حدود و حقوق ارتفاعی اعتراضی داشته باشند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت ظرف مهلت ۳۰ روز اعتراضی خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک مسجدسلیمان تسلیم و رسید دریافت نمایند ضمنا پس از انقضای مهلت قانونی و نرسیدن اعتراض سند مالکیت به نام مالک صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد .

آقای قربانعلی کاظمی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه یک صادره از مسجدسلیمان به کد ملی ۱۹۷۲۰۰۵۲۶۱ نسبت به ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۹۲/۲۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۶ اصلی واقع در بخش ۶ قطعه یک شوشترالحاق به ثبت مسجدسلیمان موسوم به گچ خلج (بن هوا)

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶
بهروز احمدی شیخ زاده - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک مسجدسلیمان

==========

آگهی ابلاغ مفاد رای صادره از طرف هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی املاک و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب سال ۱۳۹۰/۰۹/۲۰

برابررای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۷۰۰۷۳۲۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۳ صادره از هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی، املاک و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهریار تصرفات مالکانه فرامرز حقی چجکلو فرزند عباداله به صورت ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۱۳۹ فرعی از ۵۳ اصلی واقع در شهریار محرز گردیده که برای آن پلاک ۹۲۸۳ فرعی از ۵۳ اصلی اختصاص یافته است و برابر محتویات پرونده ثبتی و دفتر املاک مربوطه ششدانگ یک قطعه زمین که شامل قلمستان وباغ وانبار و ساختمان دامداری وکارگری می باشد بمساحت ۱۴۶۱۳/۵۰ مترمربع قطعه ۲۴۵ تفکیکی بشماره پلاک ۲۱۳۹ فرعی از ۵۳ اصلی مفروز از پلاک ۱۶۵ فرعی از اصلی مذکور واقع در خادم آباد شهریار ذیل ثبت ۶۶۳۷۶ صفحه ۲۹۷ دفتر ۳۸۲ بنام بنیاد مستضعفان بنمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران ثبت وسند مالکیت صادر و تسلیم شده است سپس سند المثنی بشماره چاپی ۹۴۶۲۱۰ الف ۸۳ صادر وتسلیم شده است و در اجرای ماده ۱۴۷ مقادیر بسیار به غیر انتقال یافته است و اسناد مشاعی زیادی نیز از ملک مزبور به غیر انتقال یافته است و پلاک فوق تعیین حدود باقیمانده نشده است و در ضمن ملک مربوطه از مالکیت بنیاد مستضعفان می باشد که نامبرده در هیات حضور نیافته وهیات مقرر نموده با اعمال ماده ۳ قانون مذکور و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۹۱/۰۴/۲۵ نسبت به صدور سند مالکیت به نام متصرف فوق الذکر اقدام شود لذا بدینوسیله مفاد رای صادره به نامبرده وبه اشخاص ذینفع جهت اطلاع در دونوبت با فاصله پانزده روز آگهی میگردد که چنانچه به مفاد رای صادره اعتراض دارند اعتراض خود را ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک شهریار تسلیم ورسید دریافت دارند ودرصورت عدم اعتراض ظرف مهلت مقرر این اداره نسبت به صدور سند مالکیت برابر مقررات اقدام خواهد نمود . ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

م الف ۱۰۸۵۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۲۱
مهدی ناصری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار

==========

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم معصومه شمسی با ستناد دو برگ استشهادیه بشناسه یکتا ۱۴۰۲۰۲۱۵۴۵۱۸۰۰۰۳۲۵ و رمز تصدیق ۸۳۰۱۴۷ دفتر ۲۹ شهریار مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی بشماره ۱۹۷۶۷ فرعی از ۴۹ اصلی قطعه نود و یک تفکیکی بلوک ۴ مفروز و مجزی شده از ۱۱۴۴۷ فرعی از اصلی مذکور بمساحت ۸۱/۴۱ مترمربع واقع در سمت شمال شرقی طبقه چهارک ۳/۳۱ مترمربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه ۸۱ تفکیکی بمساحت ۳/۱۳ مترمربع واقع در سمت مرکزی زیرزمین یک بانضمام پارکینگ قطعه بیست و نه تفکیکی بمساحت ۱۰/۵۶ مترمربع واقع در سمت جنوب غربی همکف ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۲۲۰۳۰۱۰۵۷۰۱۷۵۰۹ به نام معصومه شمسی ثبت وسند مالکیت بشماره چاپی ۱۰۱۶۴۱۸ الف ۹۷ صادر وتسلیم شده است وبرابر سند رهنی ۷۳۲۶ مورخ ۹۳/۹/۱۷ دفتر ۷۷۷ تهران نزد بانک مسکن در رهن است بعلت اسباب کشی مفقود گردیده است لذا مراتب به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد. از تاریخ انتشار این اگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را به این اداره تسلیم ورسید دریافت نماید و در غیر این صورت نسبت به صدور سند المثنی طبق مقررات اقدام خواهد نمود .

م الف ۱۰۸۵۸
مهدی ناصری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار

==========

آگهی ابلاغ مفاد رای صادره از طرف هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی املاک و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب سال ۱۳۹۰/۰۹/۲۰

برابررای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۷۰۰۷۲۲۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی، املاک و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهریار تصرفات مالکانه آرش سعیدی فر فرزند حسین به صورت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۸۲/۸۴ مترمربع قسمتی ازپلاک ۱۴۶ فرعی از ۴۶ اصلی واقع در شهریار محرز گردیده که برای آن پلاک ۲۸۴۸۷ فرعی از ۴۶ اصلی اختصاص یافته است وبرابر محتویات پرونده ثبتی ودفتر املاک مربوطه ۸۰ هزار مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۱۴۶ فرعی از ۴۶ اصلی ، مفروز ومجزا شده از اصلی مذکور ، واقع در حوزه ثبت ملک شهریار استان تهران به مساحت ۱۸۸۹۰۰۰ مترمربع باحق آبه از رودخانه کرج ذیل ثبت ۹۱۴۹ صفحه ۴۹۹ دفتر ۶۲ بنام آقای ابراهیم عرب شیری فرزند بهرام ش ش ۱۲۰ و سند صادر به شماره چاپی ۵۱۴۳۲۶ صادر شده است سپس برابر سند شماره ۷۸۷۷ دفترخانه ۷ شهریار مساحت ده هزار مترمربع مشاع از مورد ثبت به آقای اکبر خرقانی انتقال یافته است و همچنین مساحت ۱۵۰۰۰ مترمربع مشاع از مورد ثبت برابر سند شمار ۳۲۷۵۴ مورخ ۴۸/۲/۱۵ دفترخانه ۲ شهریار به شوکت ، محمود و مجید شمس نظری انتقال یافته است ودر ضمن ملک مربوطه از مالکیت ابراهیم عرب شیری می باشد که نامبرده درهیات حضور نیافته وهیات مقرر نموده بااعمال ماده ۳ قانون مذکور وماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۹۱/۰۴/۲۵ نسبت به صدور سند مالکیت به نام متصرف فوق الذکر اقدام شود لذا بدینوسیله مفاد رای صادره به نامبرده وبه اشخاص ذینفع جهت اطلاع در دونوبت با فاصله پانزده روز آگهی میگردد که چنانچه به مفاد رای صادره اعتراض دارند اعتراض خود را ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک شهریار تسلیم ورسید دریافت دارند ودرصورت عدم اعتراض ظرف مهلت مقرر این اداره نسبت به صدور سند مالکیت برابر مقررات اقدام خواهد نمود . ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

م الف ۱۰۸۶۱
تاریخ